

آیت‌الله عبداللّٰهی تبیین کرد

مبانی مدیریت اسلامی

و جایگاه عبودیت در عمل مدیر

آیت‌الله محمود عبداللّٰهی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» در مشهد مقدس برگزار گردید، در سخنانی به مبانی مدیریت اسلامی و الزامات مدیریت مطلوب و جایگاه عبودیت در عمل مدیر اشاره کرد که مشروح آن بدین شرح می‌باشد.

• **مبانی مدیریت اسلامی و جایگاه عبودیت در عمل مدیر**

در عرصه مدیریت، الزامات، پایدها و نیایدهایی وجود دارد که هم در مدیریت‌های اجتماعی و هم در مدیریت‌های حوزوی و نظام اسلامی باید مد نظر قرار گیرد. مدیریت اسلامی دارای مبانی ژرف و ویژه‌ای است که اگر مورد توجه مدیر قرار گیرد، می‌تواند پشتوانه و تضمین‌کننده الزامات مدیریت مطلوب باشد. در اینجا، به عنوان نمونه، به دو یا سه عنوان اساسی از این مبانی اشاره می‌کنم که اگر آیات قرآنی مرتبط با آن‌ها دنبال شود، نکات ارزشمند و لطیفی در آن نهفته است.

• **مدیریت، تجلی عبادت عام در نظام اسلامی**

یکی از این مبانی آن است که مدیریت برای تأمین مصالح اسلام، در حقیقت نوعی عبادت به شمار می‌آید؛ آن هم عبادتی با مفهوم عام. نگاه دینی ما این است که «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ فلسفه آفرینش، بندگی خدا و تقرب به اوست. این تقرب، منحصر به عبادت‌های خاص مانند نماز و عبادات فردی نیست. همان‌طور که زیارت جامعه کبیره در حرم عبادت است یا نماز شب رنگ و بوی عرفا دارد، هر اقدامی که برای خدا و در مسیر اطاعت از او باشد، عبادت محسوب می‌شود.

• **استمرار خلقت و معنا بخشی به لحظات زندگی**

در این نگاه، هر لحظه‌ای از عمر ما جلوه‌ای از خلقت و فیض الهی است: «و ما خلقت الجن والانس...» یعنی خلقت استمرار دارد، هر لحظه وجود ما با امداد و عطای الهی معنا می‌یابد و باید این همه نعمت را در مسیر بندگی خدا صرف کرد.

• **آیاتی در تأیید نگاه عبادتی به مدیریت**

یکی از آیات مرتبط در این زمینه، آیه آخر سوره انعام است:﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَقَاتِيَّ وَمَقَاتِيَّ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

حضرت می‌فرماید: نماز من، مناسک و همه زندگی و مرگ من برای خداوند است. منظور از «نسک» اینجا عام‌تر از عبادت خاص است و زندگی (محیا) هم تصریح شده که برای خداوند باشد. همه شئون پیامبر در آیات دیگر قرآن ذکر شده که یکایک آن‌ها عبادت است: تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، حل مشکلات و رفع سختی‌های جامعه همه این موارد مصداق عبادت خالص است.

حتی رفتارهای پیامبر ﷺ در خانواده، همسرداری، فرزندپوری و سلوک شخصی که در «سنن النبی» علامه طباطبایی آمده، نمونه‌ای از عبادت مصداقی به شمار می‌آید. هر رفتار و حرکت پیامبر ﷺ، اعم از مدیریت جنگ و اداره جامعه، عبادت محسوب می‌شود.

• **سیره اهل بیت علیهم‌السلام و شمول عبادت بر لحظات زندگی**

در زیارت آل یاسین نیز به این شمول اشاره شده است:«السلام علیک حین تقعد... حین تسجد... حین ترکع... حین تقوم... و فی آناء لیلک و نهارک» یعنی سلام بر تو در همه حالات و لحظات شب و روز؛ همه لحظه‌ها و تمام فعالیت‌ها، عبادت می‌شود، اگر با نیت الهی همراه باشد.

از این مجموعه برداشت می‌شود که هر حرکت و اقدامی در مسیر تحقق مصالح اسلام-چه واجب، چه مستحب و چه مستلزم تلاش مضاعف- همه «الله» و «عبادت» است. اگر با چنین دیدی به مدیریت نگاه کنیم، عمل مدیر نیز عبادت است.

• **تأملی در فرازهای دعای کمیل و نتیجه نهایی**

اجازه دهید به فرازی از دعای کمیل نیز اشاره کنم. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پایان دعا درخواست می‌کنند:

«أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ وَ قَدِیمِکَ وَ عَظَمِ صِفَاتِکَ وَ أَسْمَائِکَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِی مِنْ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ بِذِکرِکَ مَعْمُورَۀ وَ بِخِدْمَتِکَ مُوصُولَۀ وَ أَعْمَالِی عِنْدَکَ مَقْبُولَۀ حَتّٰی تَکُونْ أَوْرَادِی وَ أَعْمَالِی کُلَّهَا وَرِدًا وَاجِدًا...»

چهار نکته اساسی در این دعوت آمده است:

۱. اوقاتی بذکرک معموره: همه زمان‌های من با یاد تو آباد باشد؛ منظور از یاد خدا صرفاً ذکر لفظی نیست، بلکه توجه به خداوند و انجام وظیفه الهی است.

۲. بخدمتک موصوله: زمانی که لحظات با یاد خدا آباد شد، خدمت به او تحقق پیدا می‌کند؛ پس مدیریت و همه شئون زندگی اگر با ذکر الهی همراه باشد، تبدیل به خدمت الهی می‌شود.

۳. اعمالی عندک مقبوله: نتیجه این نگرش، پذیرش اعمال نزد خداوند خواهد بود-یعنی همه رفتار و مدیریت، اگر بر مبنای اخلاص و نیت الهی باشد، مقبول درگاه اوست.

۴. اورادی کُلها وردا واحد: تمام اذکار و عبادت‌های من، یکی شود و همه شئون زندگی به یک مسیر واحد الهی منتهی گردد.

• **عبودیت مستمر در مدیریت اسلامی**

در بحث مدیریت، باید به این نکته توجه داشت که نشستن، جلسه گرفتن، سخن گفتن، درس دادن، خطابه ایراد کردن، سخنرانی، معاشرت، تعامل و همه این‌ها، یا حتی هر حرکت سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی می‌تواند مصداق این معنا باشد:«کُلها وردا واحدا و حالی فی خدمتک سرمدا» یعنی همه این

لحظات می‌تواند در خدمت خدا باشد و هدف نهایی، پیوستگی مداوم با خدمت الهی است.

• **نگاه عبادی به کار و مدیریت**

اگر انسان با چنین نگاهی به کار و مدیریت بنگرد، این رویکرد به کارها سر و سامان می‌بخشد و بسیاری از پایدها و نیایدها و الزامات را به‌طور طبیعی فراهم می‌کند. چون هدف، خدمت به خدا و تحقق فلسفه آفرینش است؛ همه کارها، هرگونه مسئولیت، زیر سایه عبادت و توجه به خدا معنا پیدا می‌کند.

• **دشواری عمل‌گرایی در نگاه عبادی**

البته گفتن و بیان این مفاهیم با قرائت آیات و سخنرانی آسان است، اما در عمل و پیاده‌سازی آن، دشواری‌ها و مراحل جدی‌تری وجود دارد. باید تلاش کنیم تا کار و مدیریت را واقعاً با رویکرد عبادی بنگریم و در رفتارهای روزمره جاری سازیم.

• **نقش مدیریت در تحقق اهداف کلان حوزه و نظام**

در منشور رهبری، وظایف و رسالت‌های حوزه‌های علمیه در پنج فصل بیان شده است؛ از جمله تولید علم، تربیت نیرو، و تربیت مجاهد فی سبیل الله. همچنین در چند بخش جداگانه به مسئولیت‌های مدیران تأکید شده است، به گونه‌ای که تربیت نیرو و انسان‌سازی در نظام اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین و اوجب واجبات تلقی می‌شود.

همان‌طور که برادر بزرگوارمون آقای اعرافی یادآور شده‌اند، سال‌های متوالی تحصیل و تعلیم سطوح مختلف حوزه، همه باید در خدمت هدف عالی مدیریت دینی باشد تا انسان‌های شایسته و کارآمد برای خدمت به جامعه اسلامی تربیت شوند.

• **جایگاه عبادت و علم در خدمات مدیریتی و رسالت حوزه**

این نکته از مهم‌ترین اصول است که کارها از نظر اهمیت با یکدیگر تفاوت دارند. روایات متعددی در اصول کافی وجود دارد که به مقایسه میان عبادت و تفقه، یا عابد و فقیه می‌پردازد. از جمله آن‌ها، روایت مشهور:«عَالِمٌ یُّنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ أَلْفَ عَابِدٍ» گاهی در منبرها یا کلاس‌ها، به این حدیث و احادیث مشابه اشاره می‌کنم، اما همیشه یادآور می‌شوم که اینگونه روایات نباید موجب بی‌ارزش کردن جایگاه عبادت شود. متأسفانه برخی، با تکیه بر این مقایسه‌ها، اهمیت عبادت و ارزش والای آن را کم‌رنگ جلوه می‌دهند که اشتباه است.

• **جایگاه ذکر و عبادت عاشقانه**

در روایات آمده است: ذکر الهی و تسبیح خداوند برتر از هر آن‌چیزی است که خورشید بر آن تابیده است. مضمون روایت به روشنی جایگاه بی‌بدیل ذکر و عبادت را بیان می‌کند. نماز عاشقانه، عبادت شبانه، استغفار، سجود و رکوع، همگی دارای ارزش و معنای خاص هستند. البته، همان‌طور که علامه طباطبایی تأکید کرده‌اند، عبادت زمانی عبادت است که همراه با توجه و حضور قلبی باشد؛ ذکری که صرفاً بر زبان جاری شود، بدون توجه و حضور قلب، عبادت واقعی نیست.

• **مقایسه علم و عبادت برای درک ارزش هر کدام**

هدف روایات مقایسه‌ای، تحقیر مقام عبادت یا کم‌اهمیت جلوه دادن آن نیست، بلکه بیان مرتبه علمی و نقش کلیدی عالم است:«عالمی که دیگران از دانش او بهره‌مند می‌شوند، برتر از هفتاد هزار عابد است.» یا:«برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان در شب قدر است.»

این مقایسه برای ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی امور الهی است؛ کارهای ارزشی و خدمت‌ها در مسیر اطاعت الهی، مراتب و مراتب مختلفی دارند.

• **رسالت حوزه و نقش مدیران در تحقق اهداف عالی**

حال، سؤال این است که مدیریت چه مسئولیتی دارد و حوزه چه رسالتی بر عهده گرفته است؟ بنا بر آنچه در منشور رهبری- که باید آن را دائماً خواند و مرور کرد و توصیه مؤکد به مطالعه متن آن شده است- رسالت و مأموریت اصلی حوزه، تربیت نیروی انسانی برای جهان اسلام و بلکه برای همه جهان است. مدیران و مسئولان حوزه، متصدی اصلی این مهم هستند و باید با دقت به این وظیفه محوری نگاه کنند. با پذیرش این رویکرد، بسیاری از پایدها و نیایدهای مدیریتی به‌خودی‌خود روشن و حل می‌شود.

• **مثال‌هایی از تجربه مدیریتی بزرگان**

اجازه بدهید برای روشنی بحث، یکی دو مثال مطرح کنم. نخستین نمونه‌ای که به ذهنم رسید، شخصیت آیت‌الله رجبی است. اگرچه ایشان بیشتر به بیان دیدگاه‌های علمی مرحوم آیت‌الله مصباح درباره تربیت و رشد پرداخته‌اند و در پایان به مباحث سلوکی اشاره داشته‌اند، اما اگر سیره مدیریتی ایشان نیز به‌طور ویژه مورد بررسی قرار می‌گرفت، نتایج ارزشمندی به دست می‌آمد.

• **تأثیر مدیریت موفق در گسترش نهادهای علمی**

در مورد آیت‌الله رجبی و مدیریت ایشان بر یک مرکز آموزشی و پژوهشی بزرگ، باید اذعان کرد که این مؤسسه از لحاظ ابعاد و دامنه خدمات، ساختاری بسیار گسترده دارد. به یاد دارم روزی



برای بزرگداشت ایشان در یکی از دانشگاه‌ها سخنرانی داشتم و برای کسب اطلاعات دقیق‌تر با ایشان تماس گرفتم. مشخص شد که این مرکز نه‌تنها چندین مجله تخصصی و عمومی منتشر می‌کند، بلکه ده‌ها مجله متفاوت، جمع بسیاری از محققان کشور و فارغ‌التحصیلان این موسسه، هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و علمی سراسر کشور هستند.

پیش از انقلاب اسلامی، شاید فقط یک مجله اسلامی نزد ما شناخته شده بود، اما اینک این مرکز به مرجع اصلی تولید تخصصی نشریات علمی حوزوی و دانشگاهی بدل شده است. این دستاوردها موهون مدیریت صحیح و روحیه خدمت‌رسانی و علمی مدیرانی چون آیت‌الله رجبی است.

• **ضرورت توجه به الگویی از سیره مدیریتی**

اگر در زمان باقی‌مانده یا در جلسات آینده روی ابعاد مدیریتی چنین افرادی تمرکز شود، قطعاً برای توسعه و تعالی مدیریت حوزه‌های علمیه مفید خواهد بود.

• **یادآوری سیره شهید آیت‌الله قدوسی**

نمونه دیگری که به ذهنم آمد، مربوط به مرحوم آیت‌الله قدوسی است. پیش از این، پس از شهادت ایشان، مجموعه‌ای برای بزرگداشت و تجلیل از ایشان منتشر شده بود که هرچند نام دقیق آن را اکنون به خاطر ندارم، اما مطالعه شرح حال مدیریتی و تربیتی ایشان برای مدیران حوزه و نظام آموزشی بسیار راه‌گشاست.

• **وضعیت مدیریت حوزه پیش از انقلاب و تحولات مدیریتی**

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام مدیریت منسجمی در مدارس علمیه وجود نداشت. طلبه‌ها، پس از ورود به فیضیه، به صورت پراکنده و مستقل، برای خود استاد انتخاب می‌کردند و به تحصیل می‌پرداختند. در آن زمان، ساماندهی و برنامه‌ریزی مدون برای اداره مدارس علمیه وجود نداشت. تنها مرحوم آیت‌الله گلپایگانی اقدام به تأسیس مدرسه‌ای با امکانات مدیریتی مختصر نمودند که این هم در آن مقطع، تحولی هرچند محدود، تلقی می‌شد.

• **شکل‌گیری مدارس نوین و تجربه‌های نخستین**

سپس مرحوم شهید بهشتی و مرحوم ربانی شیرازی با همکاری یکدیگر، مدرسه‌ای جدید را بر مبنای تجربه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی تأسیس کردند. من نیز مدتی در آن مدرسه حضور داشتم و از نزدیک با رویکردها و برنامه‌ریزی محدود آن آشنا شدم. البته، فعالیت آن مدرسه تاووم چندانی نیافت و برنامه‌ریزی‌های آن تنها حدود یک سال یا اندکی بیشتر دوام آورد. اگر بخواهم به تفصیل درباره آن مقطع توضیح دهم، نمونه‌ای از تلاش‌های اولیه برای ساماندهی آموزش در حوزه محسوب می‌شود، اما به جهت محدودیت وقت، از شرح بیشتر آن می‌گذرم.

• **آغاز تحول جدی با تأسیس مدرسه حقانی**

نقطه عطف اساسی در مدیریت حوزه، با تأسیس مدرسه حقانی و مدیریت مرحوم آیت‌الله قدوسی رقم خورد. ایشان با رویکردی نو و مدیریت سازمان‌یافته، پایه‌های جدیدی برای تربیت و مدیریت حوزه‌های علمیه بنا نهادند و نقش برجسته‌ای در سامان‌بخشی به روند جذب و تربیت طلاب ایفا کردند. مدرسه حقانی به عنوان الگویی موفق، نقطه آغاز تحول جدی در ساختار مدارس حوزه و شیوه‌های برنامه‌ریزی و اداره آن‌ها بود.

• **توصیه به مطالعه شرح حال مدیریتی آیت‌الله قدوسی**

پیشنهاد می‌کنم همه عزیزان، کتاب شرح حال مدیریتی آیت‌الله قدوسی را مطالعه کنند. این کتاب حاوی مصاحبه‌هایی با شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مؤمن، آیت‌الله جنتی، آیت‌الله میانجی، آیت‌الله شیخ علی‌پناه اشتهاردی و حسین اشتهاردی (هم‌مباحثه مرحوم قدوسی) است که هر یک ابعاد مختلف اخلاق و مدیریت ایشان را شرح داده‌اند. همچنین بخش‌هایی به دوره مدیریتی و قضائی آیت‌الله قدوسی اختصاص یافته است.

• **جایگاه علمی و نفوذ معنوی**

آیت‌الله قدوسی از نظر علمی در سطوح عالی فقه و اصول حضور داشت؛ سال‌ها شاگردی امام خمینی علیه‌السلام و علامه طباطبایی را در کارنامه داشت و داماد علامه نیز بود. پدر ایشان نیز از علما و مجتهدان برجسته به‌شمار می‌آمد و اغلب شاگردان بزرگ مراجع آن عصر با شخصیت علمی بالای ایشان آشنایی داشتند. در دهه ۵۰، ایشان هم‌سنگ بسیاری از مراجع معروف وقت، تدریس فقه و اصول داشت.

• **شیوه مدیریتی و تربیتی آیت‌الله قدوسی**

آنچه آیت‌الله قدوسی را متمایز می‌کرد، وقف خالصانه تمام نیروی خود برای تربیت طلاب و اداره مدارس بود. طبق نقل آیت‌الله جنتی، ایشان گاهی پیش از طلوع آفتاب به مدرسه می‌آمد و تا نیمه‌شب مشغول خدمت و پیگیری امور حوزه بود. او حتی تدریس کتاب‌هایی مانند توضیح‌المسائل به طلاب سطح اول را شخصاً به عهده می‌گرفت تا از همان ابتدا روح وظیفه‌شناسی و باید و نیایدهای دینی را در آن‌ها نهادینه کند. علاوه بر این، استاد اخلاق نیز بود و با وجود قاطعیت در مدیریت، درس اخلاقش مورد توجه فراوان قرار می‌گرفت.

🌟 **گزارش خبری**

• **آیت‌الله قدوسی؛**

مدیریت قاطعانه همراه با روحیه عبادی و تربیت‌مدار
آیت‌الله قدوسی از مزایا و سهم امام استفاده نمی‌کرد و به زندگی ساده اکتفا داشت. گاه برای اداره امور، حتی قرض می‌گرفت. ایشان علاوه بر جدیت و قاطعیت، با شاگردان رابطه صمیمانه داشت؛ با آنان پیاده به جمع‌ران می‌رفت و همیشه نگاه عبادی به مسئولیت حوزه داشت.

همچنین نقل شده است که مرحوم آیت‌الله خزعلی، از اساتید برجسته و از شاگردان امام علیه‌السلام، در یکی از جلسات درس بیان کرد: «اگر آقای قدوسی از من دعوت کند، برای تدریس شرح لمعه به این مدرسه می‌آیم.» این سخن، علاوه بر اینکه جایگاه علمی و شخصیتی آیت‌الله قدوسی را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که حتی علمای صاحب‌نام نیز احترام ویژه‌ای برای او و نگاه مسئولانه‌اش به تربیت طلاب قائل بودند. چنین روحیه‌ای باعث می‌شد اساتید بزرگ نیز حاضر شوند در سطوح پایین‌تر تدریس کنند و خود را وقف پرورش نسل جدید کنند. این نگاه وظیفه‌مدار و عبادی، وجه تمایز آیت‌الله قدوسی در مدیریت حوزه بود.

• **اهمیت روحیه و وظیفه‌شناسی در مدیر**

آنچه در سیره مدیریتی آیت‌الله قدوسی برجسته است، همت والا و احساس مسئولیت او در قبال تربیت نیرو و خدمت به جامعه دینی است. بسیاری از اساتید برجسته آن دوران- با مقام و منزلت علمی بالا-در کنار او حاضر بودند تا در برنامه تربیتی نقشی ایفاکنند و او را یاری دهند. همین روحیه وظیفه‌شناسی و نگاه عبادی به مدیریت، باید سرمشق مدیران امروز حوزه باشد.

• **الزامات اخلاقی، عمل صالح و معیت الهی**

الزامات اخلاقی می‌تواند تضمین‌کننده بسیاری از پایدها باشد. فرض کنیم مدیری با پایدهای اخلاقی مثل تواضع و شرایط خاص مواجه است؛ آیا می‌تواند مقررات، آیین‌نامه و قوانین را نادیده بگیرد؟ ممکن است ایده‌های شخصی هم داشته باشد که به نظرش درست است، اما مقررات این اجازه را نمی‌دهند. آیا چنین عملی می‌تواند عمل صالح باشد؟ وقتی جایگاه مدیریت بر اساس نصاب و مقررات تعریف می‌شود، عمل صالح یعنی انجام کاری که رضایت خدا را جلب کند و در چارچوب عبادت و بندگی حرکت کرده باشد. همانطور که در آیه ﴿أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ﴾ آمده، عمل صالح باید مورد رضایت خداوند باشد؛ این مقتضای بندگی است.

روشن است که در مسیر بندگی و عمل صالح، نورانیت و امداد‌های غیبی الهی وجود دارد. خداوند به کسانی که در این مسیر حرکت می‌کنند، کمک، آگاهی و بصیرت می‌دهد. سوره نحل می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾؛ یعنی کسانی که ایمان آورده و عمل صالح داشته باشند، زندگی طیبه به آن‌ها داده می‌شود، زندگی‌ای که نورانیت و بصیرت همراه آن است و به آن کمک‌های الهی می‌رسد.

حیات طیبه صرفاً نور خاص نماز شب نیست بلکه نوری است که انسان را در حرکت‌های اجتماعی، علمی و مدیریتی همراهی می‌کند. این نور الهی، باعث می‌شود فرد با حکمت و دید فراگیر در جامعه عمل کند.

یکی دیگر از عناوین مهم، مسئله جهاد است که مولد عمل صالح و عبادت نیز هست. جهاد تنها محدود به جنگ نظامی نیست بلکه شامل حرکت سیاسی، علمی و فرهنگی نیز می‌شود. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛ یعنی کسانی که جهاد کنند خداوند آن‌ها را به راه‌های درست هدایت می‌کند. این همان هم‌راهی و معیت خدا با مجاهدان راه اوست.

در قرآن، معیت خداوند به دو نوع تقسیم می‌شود: معیت عام که شامل همه موجودات است و معیت خاص که ویژه کسانی است که در مسیر الهی گام برمی‌دارند. خداوند همراه مجاهدان و محسنین است و آن‌ها را در اجرای وظایف‌شان حمایت می‌کند. این معیت یعنی حضور فعال و کمک مستمر، مانند همان وعده‌ای است که به حضرت موسی علیه‌السلام داده شد: ﴿لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمَا﴾، یعنی ترس نداشته باشید، من همراه شما هستم.

در برخی آیات، خداوند به مؤمنان اطمینان می‌دهد که هرگز تنها نیستند و همواره او پشتیبان آن‌هاست: ﴿وَلَا تَهْشَوْا وَلَا تَخْزَوْا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾. تأکید بر این معیت الهی است که نشان‌دهنده حمایت و حمایتگری بی‌پایان خداوند در مسیر بندگی و عمل صالح است.

• **تقدیر و اشاره به دوره جدید مدیریت حوزه**

در پایان لازم است قدردانی ویژه‌ای از همه دست‌اندرکاران این جلسه و اجتماع در این شرایط حساس بیان کنم. این موقعیت فرصتی است برای مدیریت و قدرشناسی از تلاش‌ها. هر پایه تجربه و اطلاع از ساختار مدیریت حوزه‌های علمیه، شاهد بوده‌ام که هر دوره‌ای ویژگی‌های خاص خود را داشته، اما مدیریت فعلی حوزه با حضور حضرت آیت‌الله اعرافی، از جامعیت و ویژگی‌هایی بهره‌مند است که در دوره‌های گذشته کم‌نظیر بوده است. ایشان علاوه بر جایگاه فقهی و علمی، از تجربه‌های مدیریتی، قدرت خطابه، تحول‌خواهی و آشنایی با مسائل بین‌الملل و خواسته‌های رهبر معظم انقلاب برخوردارند. این ویژگی‌ها حوزه را در مسیر تحول، پیشرفت و تحقق انتظارات رهبری قرار داده است.